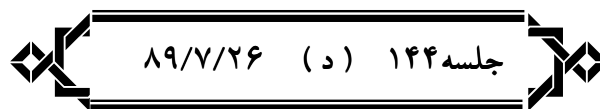


رمضان را درک کرده است لذا مکلف است که بعد از طلوع فجر روزه را شروع کند و حال آنکه او این کار را نکرده است و وظیفه خود را که روزه گرفتن است عمداً انجام نداده است از این رو غالب فقها قائل به لزوم کفاره شده اند ، بنابراین این بحث بر می گردد به اینکه ما صوم را چگونه معنی کنیم که تفصیلش عرض شد و بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله  
علی محمد و آله الطاهیرین



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در مسائل مربوط به کفاره بود و رسیدیم به مسئله یازدهم که صاحب عروة در این مسئله می فرماید ؛ (مسئله ۱۱) : إذا أفطر متعمداً ثم سافر بعد الزوال لم تسقط عنه الكفارة بلا إشكال وكذا إذا سافر قبل الزوال للفرار عنها بل وكذا لو بدا له السفر لا يقصد الفرار على الأقوى وكذا لو سافر فأفطر قبل الوصول إلى حد الترخيص و أما لو أفطر متعمداً ثم عرض له عارض قهري من حيض أو نفاس أو مرض أو جنون أو نحو ذلك من الأعذار ففسي السقوط وعدمه وجهان بل قولان أحوطهما الثاني و أقواهما الأول . حکم این مسئله واضح است زیرا قبل از ظهر که مسافر نبوده می بایست امساک می کرده که نکرده لذا کفاره به گردنش آمده است و از طرفی مسافرت بعد از ظهر به روزه صبح او ارتباطی ندارد ، همچنین اگر اول روزه را بشکنند و بعد قبل از زوال مسافرت کند باز هم باید کفاره بدهد چه مسافرت او به دلیل فرار کردن از روزه باشد و چه به علت دیگری به مسافرت برود و حتی اگر به مسافرت برود ولی قبل از رسیدن به حد ترخیص افطار کند باز هم باید کفاره بدهد .

سپس صاحب عروة در ادامه مسئله می فرماید ؛ اگر کسی روزه را افطار کند ولی در همان روز متلاً حائض شود (یعنی اگر افطار هم نمی کرد موفق به روزه گرفتن در آن روز نمی شد ) در سقوط و عدم سقوط کفاره دو وجه است ولی احتیاط در عدم سقوط است هر چند اقوی این است که کفاره ساقط است . در این فرض می توان گفت که خداوند می دانسته که او به دلیل عذری نمی تواند روزه بگیرد از این رو فی علم الله او مکلف به روزه نبوده است و عنوان **أتموا الصيام إلى الليل** نمی توانسته به او تعلق بگیرد از این رو لازم نیست کفاره بدهد بنابراین طبق این مشی لازم نیست کفاره بدهد زیرا عنوان روزه بر فعل او صدق نمی کند . همچنین می توان گفت که او جزء **من شهد الشهر فليصمه** است و ماه